

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان:

Evaluating the Spatial Consequences of the Relocation of Yakh Kash Village in Mazandaran Province with the Approach of Environmental Sustainability

در همین شماره به چاپ رسیده است.

ارزیابی پیامدهای فضایی جابه‌جایی روستای یخ کش استان مازندران با رویکرد پایداری زیست‌محیطی

مهسا تهرانی رجبی^۱، روزبه زمانیان*^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد بازسازی پس از سانحه، گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.

۲. استادیار گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

برنامه ریزی منطقه ای

مقاله تخصصی

چکیده:

اجرای طرح جابجایی روستای یخ کش به دلیل آب‌گیری سد گلورد و خطر وقوع سیل و آب‌گرفتگی در سال ۱۳۸۸ صورت گرفت که با پیامدهای فراوان برای زندگی روستاییان همراه بود. هدف پژوهش حاضر بررسی و ارزیابی پیامدهای جابجایی روستا و مشکلات مردم روستای یخ کش در شهرستان بهشهر است. برای رسیدن به هدف مطلوب این پژوهش از اسناد و مدارک کتابخانه و مطالعات میدانی استفاده شده است. همچنین با استفاده از روش‌های مختلف گردآوری اطلاعات به‌ویژه مشاهده و مصاحبه با ۵۱ خانوار، نظرات و مشکلات ساکنین در خصوص روستای جدید مورد بررسی قرار گرفت. جهت ارزیابی نیز از روش ارزیابی تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. نتایج مطالعه حاکی از آن است که اکثر خانوارهای روستایی بعد از جابجایی، فعالیت دامداری را انجام نمی‌دهند. مشکل حذف دام‌پروری در روستای یخ کش باعث ایجاد مشکلات عدیده مانند کاهش منابع درآمدی خانوار و افزایش هزینه‌های زندگی شده که به‌عنوان بزرگ‌ترین مشکلات روستاییان پس از جابجایی خود را نمایان ساخته است. همچنین بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، عدم رعایت ملاحظات کالبدی- زیرساختی، عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در احداث روستای جدید، عملکرد اجتماعی نامناسب سکونتگاه جدید، مشکلات مرتبط با وضعیت اقتصادی خانوار روستایی و عملکرد نامناسب سکونتگاه‌های جدید از بُعد فرهنگی- روانی مهم‌ترین مشکلات روستاییان پس از جابجایی ارزیابی شدند که ۵۲/۴۶ درصد واریانس تجمعی را به خود اختصاص دادند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۹/۱۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۲/۶

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۶/۱

واژگان کلیدی:

پیامدهای جابجایی،

احداث سد،

روستای یخ کش،

توسعه،

محیط زیست.

*

نویسنده مسئول : +989123220439 , r.zamanian@iauctb.ac.ir

مقدمه

پس از رخداد سوانح گوناگون در سکونتگاه‌های روستایی و به دنبال آن آسیب مالی و جانی و بی‌خانمان شدن مردم تحت تأثیر سانحه، انتخاب‌های مهمی پیش روی قرار دارد که از آن جمله تصمیم‌گیری در رابطه با جابه‌جایی و یا درجاسازی سکونتگاه است. همچنین ممکن است به علت طرح‌های ویژه عمرانی و نیز در صورت وجود خطر در روستاهای موجود، بحث جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی مطرح گردد. تجربیات گذشته کشور در بازسازی سکونتگاه‌های روستایی حاکی از آن است که به علت فقدان قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به چگونگی مداخله در سکونتگاه‌های روستایی و از سویی نبود تعریفی فراگیر از مفهوم جابه‌جایی در سیاست‌های مداخله‌ای و الهام در کاربرد این رویکرد در بسیاری از مداخلات صورت گرفته در اجرای طرح‌های عمرانی، سیاست جابه‌جایی روستاییان با اهداف به‌ظاهر توسعه‌ای اجرا گردیده، اما به دو قطبی شدن روستاها و بعضاً ائتلاف سرمایه‌های ملی منجر شده است؛ بر اساس مطالعات میدانی بخش نوساز بستر جذب سرمایه‌های عمرانی گردیده و بخش قدیمی‌ساز به زوال و نابودی میل نموده است. حساسیت پروژه‌های جابه‌جایی ناشی از پیچیدگی و ارتباط همه‌جانبه پیامدها و آثار آن بر جوامع انسانی است. درجاسازی و یا اسکان مجدد بدون برنامه‌ریزی و نگرش‌های توسعه‌ای می‌تواند به تخریب کالبدی، از دست دادن درآمدها و سایر تأثیرات مخرب و زیان‌آور منجر شود. از دیگر پیامدهای جابه‌جایی که بعضاً به مهاجرت منتهی می‌شود، عدم انطباق افراد با کالبد سکونتگاه جدید است؛ که به دلیل هم‌سنخ نبودن با آنچه در گذشته داشته‌اند منجر به عدم تمایل به ادامه زندگی در محیط جدید خواهد شد. در نتیجه این امر در برخی موارد تبعات منفی گوناگونی در پی داشته و در مواردی به ترک سکونتگاه جدید و بازگشت به روستای قدیم باوجود آسیب‌پذیری آن در مقابل سانحه منجر شده است. پژوهش حاضر با عنوان ارزیابی پیامدهای فضایی جابه‌جایی روستای یخ کش استان مازندران با رویکرد پایداری زیست‌محیطی تدوین شده و در این بخش بیان مسئله، اهداف، روش تحقیق و غیره مشخص خواهد شد. با توجه به اهداف تعیین‌شده، متون تخصصی و اطلاعات موردنیاز گردآوری و تحلیل و همچنین فرآیند کلی تحقیق مشخص خواهد شد.

بیان مسئله

جابه‌جایی و اسکان مجدد روستاییان از جمله سیاست‌هایی است که هر ساله در کشورهای مختلف جهان دنبال می‌گردد. این رویه، اشاره به هر نوع جابه‌جایی و تغییر اساسی در محل سکونت خانوارها دارد که هدف کلان آن ساماندهی کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی در سطح منطقه و هدف خرد آن، تأمین امنیت و بهبود وضعیت معیشتی روستاییان است (Okada et al, 2014). سیاست جابه‌جایی روستاییان معمولاً به دو شکل برنامه‌ریزی شده (داوطلبانه) و بدون برنامه‌ریزی (اجباری) به مرحله اجرا درمی‌آید (رحمتی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). به بیانی روشن‌تر، اسکان مجدد برنامه‌ریزی شده با قصد و هدف قبلی طراحی به دنبال توسعه مراکز روستایی و بالا بردن سطح زندگی و رفاه مردم است. در مقابل، اسکان مجدد برنامه‌ریزی نشده سیاستی است که با انگیزه‌هایی غیر از بالا بردن مستقیم سطح زندگی و رفاه مردم اتخاذ می‌گردد؛ هر چند ممکن است به این هدف نیز نائل آیند. اساساً شانس موفقیت اسکان مجدد و تجمیع‌های داوطلبانه و برنامه‌ریزی شده بسیار بیشتر از اسکان مجدد اجباری و برنامه‌ریزی نشده است. چرا که در بیشتر اسکان مجدد های برنامه‌ریزی نشده، میزان مشارکت و همکاری مردم چندان زیاد نیست و همین امر تأثیر قابل توجهی بر عدم موفقیت این شکل از طرح‌ها داشته است (جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۳: ۵۵). در این راستا سیاست‌ها و اقدامات مربوط به اسکان مجدد روستاییان در کشورهای در حال توسعه همواره با انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف) رویارویی با حوادث و بلایای طبیعی:

بازسازی روستاها پس از وقوع حوادث طبیعی نظیر سیل، زلزله، طوفان و مانند آن و یا به‌منظور جلوگیری از وقوع این‌گونه حوادث، جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی صورت می‌گیرد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

ب) اجرای برنامه‌های توسعه روستایی:

عدم توازن در پراکندگی جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی به دلیل پراکندگی زیاد روستاهای کم‌جمعیت بافاصله قابل توجه از یکدیگر در برابر تعداد اندک نقاط پرجمعیت لزوم تجمیع یا اسکان مجدد را مطرح می‌کند. در برخی موارد نیز اجرای برنامه‌های توسعه ملی - منطقه‌ای ضرورت جابه‌جایی

مکانی جمعیت و در مواردی ادغام روستاها را مورد نظر قرار می‌دهد. در این ارتباط می‌توان از کشور چین نام برد که در مواردی این طرح را به منظور کاهش فقر روستاییان اجرا نموده است. نتایج تحقیقات مرکل نشان از توفیق نسبی این طرح از بعد اقتصادی دارد، هرچند از بعد زیست‌محیطی تبعات منفی فراوان بر جای گذاشته است (Merkle, 2003).

ج) دلایل سیاسی - امنیتی:

گاه نظام‌های سیاسی برای جلوگیری از تحرکات قومی و کنترل جمعیت و نظارت بیشتر در مناطق مرزی خویش، تدابیری را در مورد انتقال و جابه‌جایی جمعیت‌های پراکنده آن مناطق اتخاذ می‌کنند

(Jackson et al, 2000 & Joireman et al, 2012).

جابه‌جایی روستاها در سراسر دنیا و در طول تاریخ از زمان برپایی اولین سکونتگاه‌ها به دلایل مختلفی از جمله بلایای طبیعی و مصون ساختن این منابع که در معرض تخریب قرار گرفته‌اند، جنگ و اثرات ناشی از آن به خصوص در نواحی مرزی کشورها، پروژه‌های توسعه شامل دسترسی به منابع، خدمات و امکانات مناسب و سایر عوامل صورت می‌گرفته است. در ایران نیز تعدادی از روستاها به دلایل مختلف از جمله بروز حوادث طبیعی، پروژه‌های توسعه، احداث سد، واقع شدن بر روی آثار تاریخی، خشک‌سالی، جنگ، مشکلات کالبدی و زیست‌محیطی مکان قبلی و غیره جابجا شده‌اند. روستاییانی که محل زندگی آنان جابجا شده است، از مکان جدید زندگی خود انتظاراتی دارند؛ از جمله:

- مکان‌یابی صحیح روستای جدید،
- دسترسی به منابع آب، مراتع و غیره،
- طراحی مناسب سکونتگاه‌ها با در نظر گرفتن شیوه زندگی، معیشت و روش ساخت بومی،
- تأمین تأسیسات و خدمات عمومی و کارآمدی آن‌ها در سایت جدید،
- وجود مشارکت مردمی در امور مختلف تصمیم‌گیری،
- در نظر گرفتن اولویت‌های اقتصادی، اجتماعی جامعه در حال جابه‌جایی،
- امنیت داشتن سایت جدید،
- در نظر گرفتن فاصله از معیشت، شبکه‌های اجتماعی و خویشاوندان و سایت قدیم،
- دسترسی به سایر امکانات و تسهیلات مورد نیاز زندگی.

اما بررسی تجارب صورت گرفته نشان می‌دهد که باوجود جنبه‌های مثبت جابه‌جایی‌ها در بهبود شرایط زندگی روستاییان، بخشی از روستاییان جابجا شده از نحوه جابه‌جایی محل سکونت خود به دلایلی از جمله مکان‌یابی نامناسب روستای جدید، عدم مشارکت مردم در جابه‌جایی روستا، تأثیرات منفی جابه‌جایی بر اقتصاد روستاییان و ... رضایت کامل ندارند.

ساخت سد و پروژه‌های آبرسانی جزو حوادث انسان‌ساخت-طبیعی است. سدها و زیرساخت‌های مربوط به آن‌ها، شامل ایستگاه‌ها و کانال‌های آبرسانی یکی از برجسته‌ترین علل جابه‌جایی ناشی از توسعه هستند. طبق گزارش کمیسیون جهانی ساخت سدها تا سال ۲۰۰۰ بین ۴۰ تا هشتاد میلیون نفر در سطح جهان به علت ساخت سدها بی‌خانمان شده‌اند. ساخت سدها آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر سکونتگاه‌ها در پی دارد. این آثار عبارتند از:

- مستغرق شدن زمین‌های زراعی ارزشمند و سکونتگاه‌های حیوانات؛
 - گیر انداختن انواع رسوبات، فرسایش و شسته شدن خاک‌های منطق پایین‌دست؛
 - به مخاطره انداختن سکونتگاه‌های دارای آب شیرین؛
 - انقراض یا تهدید به نابودی گونه‌های مربوط به مناطق مرطوب و رودخانه‌ای؛
 - گسترش بیماری ناشی از حشرات به‌موجب افزایش میزان آب راکد.
- بنابراین جابه‌جایی ناشی از ساخت سد ممکن است علل مختلفی داشته باشد:
- اصلی‌ترین علت جابه‌جایی ناشی از سد، تغییر مکان به علت غیرقابل سکونت شدن سکونتگاه ناشی از غرق آب شدن منطقه در زیر آب است، در حقیقت سکونتگاه‌هایی که در محدوده احداث سد واقع شده‌اند.
 - گروهی دیگر ممکن است به علت ساخت کانال‌ها و مسیل‌هایی که سد در مسیر آن‌ها واقع شده است، جابه‌جا شوند.
 - همچنین مردمی که در نواحی پایین‌دست سدها واقع شده‌اند به علت احتمال وقوع سیل ناشی از عوامل مختلف مانند شکست آن و به زیرآب رفتن احتمالی سکونتگاه در آینده، ممکن است جابه‌جا گردند.

که در ۴/۴۲ میلیون واحد مسکونی زندگی می‌کنند (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵).

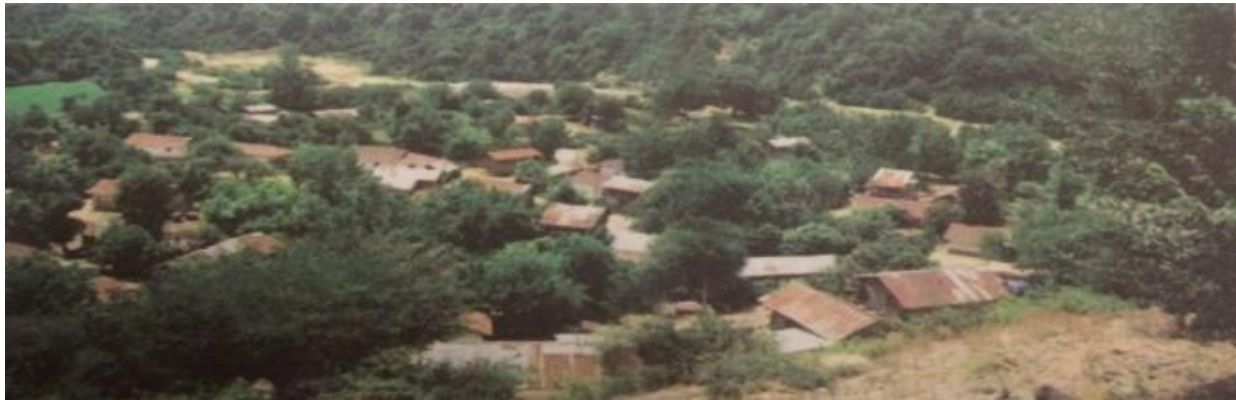
روستای یخ کش در دهستان پنج هزاره بخش مرکزی شهرستان بهشهر در استان مازندران واقع است. با احداث سد گلورد بر روی این رودخانه توسط وزارت نیرو و آبرگیری آن، روستای مذکور کاملاً به زیرآب می‌رفت. به همین علت تصمیم به جابه‌جایی و انتقال روستای یخ کش به زمین‌های بالادست و مرتفع همان منطقه گرفته شد. اجرای طرح جابجایی روستا در سال ۱۳۸۸ صورت گرفت که با پیامدهای فراوان برای زندگی روستاییان همراه بود. (شکل‌های شماره ۱ و ۲)

هدف پژوهش حاضر واکاوی پیامدها و مشکلات مردم روستای یخ کش در شهرستان بهشهر در اثر جابجایی ناشی از احداث سد است. ملاحظات حاکی از آن است که روستاییان با مشکلات متعددی در ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و غیره دست و پنجه نرم می‌کنند و بروز این مشکلات باعث مهاجرت تعداد زیادی از خانواده‌ها به‌طور کامل و تغییر نوع سکونت از دائمی به فصلی در برخی خانوارها شده است که تمامی این موارد نشان از شکست جابجایی و تحقق نیافتن اهداف پروژه بوده است. نتایج حاصل از برداشت‌های وضع موجود نشان می‌دهد که :

○ گروهی دیگر از مردم نیز ممکن است به علت ساخت سد، زمین‌های کشاورزی و یا دسترسی به برخی منابع طبیعی که معیشت و زندگی آن‌ها به آن وابسته است را از دست‌داده و ناچار به تغییر مکان گردند.

در ۵۰ سال اخیر نیز ایجاد سدها، بسیاری از رودخانه‌ها را حتی در مقیاس جهانی در معرض انحراف و تغییر شکل قرار داده است و در همین ارتباط، طبق گزارش کمیسیون جهانی در سطح کشورهای جهان، حدود ۴۰ تا هشتاد میلیون نفر به واسطه احداث مخازن سدها از محل زندگی خود جابه‌جا و به محل‌های دیگر انتقال یافته‌اند و این موضوع پیامدهای وسیع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیط زیستی زیادی را در پی داشته است. ایران نیز به دلیل ایجاد سدهای بزرگ از این‌گونه تبعات مستثنی نبوده و در اکثر سدهایی که در ایران ایجاد شده، یا در دست ایجاد است با جابجایی و اسکان مجدد سکونتگاه‌های پشت مخزن سد و تبعات اجتماعی اقتصادی آن مواجه بوده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵).

بر اساس اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۲۲ میلیون نفر از جمعیت ۷۰ میلیونی ایران ساکن روستاها هستند (مرکز آمار ایران ۱۳۸۸). طبق همین آمار از مجموع ۱۴/۹ میلیون خانوار ایرانی، ۵/۹۶ میلیون خانوار روستایی است



شکل ۱) بافت قدیم روستای یخ کش (منبع: گرکانی، ۱۳۹۲)



شکل ۲) نمونه‌هایی از واحدهای مسکونی در روستای یخ کش (منبع: گرکانی، ۱۳۹۲)

کتاب‌ها، مجلات، گزارش‌ها، آمارنامه‌ها، نقشه‌ها، اطلاعات اینترنتی و غیره استفاده شده است. علاوه بر مشاهده میدانی برای درک بهتر واقعیات و رسیدن به نتایج تحقیق از پرسشنامه نیز استفاده شده است. جامعه آماری موردنظر سکونتگاه‌هایی است که در پشت مخزن سد قرار می‌گیرند و بالغ بر ۱۶۶ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۱۱۸۰ نفر هستند. برای تعیین و سنجش جامعه آماری از ۶۳ خانوار، پرسشنامه تهیه شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های آماری با استفاده از ضریب همبستگی بین متغیرها و مدل سوات بررسی و بر اساس نتایج حاصل از آن، راهبرد اجرایی مشخص شده است.

با توجه به تحقیقات و بررسی‌های به‌عمل‌آمده مشخص شد که احداث سد به علت قرار گرفتن برخی روستاها و زمین‌های کشاورزی در پشت مخزن سد، آثار اقتصادی و اجتماعی منفی فراوانی در پی دارد و این تبعات برای جوامع روستایی که به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کاملاً به محیط جغرافیایی وابسته‌اند، دوچندان است. برنامه‌ریزی نادرست ممکن است تبعات مذکور را بیشتر و غیر قابل جبران کند؛ نظیر آنچه در برخی از سدها انجام گرفته و به علت پرداخت نقدی به‌عنوان راهکار جبران خسارات باعث بلاتکلیفی افراد شده و آن‌ها با مهاجرت به شهرها و به دلیل عدم توان خرید زمین در شهر به حاشیه‌نشینی روی آوردند. این مسئله بحران اجتماعی در شهر ایجاد کرده و گاهی با روی آوردن افراد به شغل‌های کاذب از قبیل اعتیاد، فروپاشی نظام خانواده را در بردارد، ضمن این‌که در مورد سد نیز اکثر روستاییان گزینه پرداخت نقدی را متقبل شده‌اند ولی از آینده خود خبر ندارند و فعلاً در بلاتکلیفی و سرگردانی به سر می‌برند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل کمی و کیفی با استفاده از روش سوات نیز مشخص می‌کند که اسکان اجباری در وضعیت مخاطره‌آمیزی قرار دارد و تهدیدهای زیادی متوجه این موضوع است. درنهایت نیز پیشنهادهایی جهت کاهش پیامدهای منفی و موفق بودن پروژه‌های آتی توصیه می‌شود:

■ ضرورت تدوین قوانین مربوط به اسکان مجدد و جابه‌جایی اجباری مردم برای انجام طرح‌های توسعه.

○ حذف فضاهای معیشتی خانوارها از واحدهای مسکونی جدید مشکلات عدیده‌ای را برای آنها به وجود آورده که مهم‌ترین آن‌ها کاهش فعالیت‌های اقتصادی خانوار و به تبع آن کاهش درآمد‌هاست.

○ حذف کامل فضاهای دامی خانه‌ها از مهم‌ترین آن‌هاست. ○ عدم طراحی فضاهایی نظیر انبار که جز مهم‌ترین بخش‌های خانه‌های روستایی است ساکنین را مجبور به ساخت آنها در باغ‌هایشان کرده است و هزینه‌ای مازاد به خانواده‌ها متحمل شده است.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی پیامدهای مختلفی به همراه دارد، اکثر جابه‌جایی‌های انجام‌شده با مشکلاتی روبرو شده‌اند. جابه‌جایی انجام‌شده در روستای یخ کش از جمله این موارد بوده است. در این تحقیق به بازخورد این جابه‌جایی در بخش پیامدهای فضایی پرداخته شده است تا بتواند کمکی باشد در برنامه‌های آتی جابه‌جایی در سکونتگاه‌های دیگر.

پیشینه تحقیق

• طرح سد و نیروگاه گتوند علیا

طرح سد و نیروگاه گتوند علیا آخرین سد در منتهی‌الیه سلسله جبال زاگرس است که بر روی رودخانه کارون احداث می‌شود. ساختگاه طرح سد و نیروگاه آبی گتوند علیا در فاصله ۳۸۰ کیلومتری از مصب رودخانه کارون و در ۲۵ کیلومتری شمال شهرستان شوشتر و در نزدیکی شهر گتوند واقع شده است و از نظر تقسیمات سیاسی در محدوده سه شهرستان گتوند، مسجدسلیمان و لالی قرار گرفته که دهستان جنت مکان از شهرستان گتوند، دهستان‌های لالی و سادات از شهرستان لالی و دهستان‌های جهانگیری، تل بزان و قلعه خواجه از شهرستان مسجدسلیمان را در بر گرفته است. این روستاها که در دو قسمت رودخانه کارون مستقرند از پراکندگی زیادی نیز برخوردار هستند.

با احداث سد گتوند در این منطقه حدود ۳۵ روستا و آبادی به دلیل قرار گرفتن در پشت مخزن سد به‌ناچار جابجا شده‌اند و تحقیق حاضر به بررسی آثار اقتصادی-اجتماعی سکونتگاه‌های مشمول این جابه‌جایی پرداخته است.

تحقیق در موضوع مورد مطالعه از نوع تحقیق علمی و کاربردی است. برای گردآوری مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی از

- مردم فاقد زمین و افرادی که شغل خود را به علت سدسازی از دست می‌دهند باید موردتوجه قرار گیرند. این گروه آسیب‌پذیرترین طبقه در نظر گرفته شده‌اند.
- مدیریت بهداشتی و فراهم کردن تسهیلات و خدمات در سکونتگاه‌های جدید و نیز در محدوده سد الزامی است.
- بهترین راه جلوگیری از مخاطرات جابه‌جایی، ایجاد جابه‌جایی بر اساس تملک زمین جدید، یا مقابله با خانه‌به‌دوشی از طریق اجرای برنامه‌های ساخت مسکن است
- شناسایی نخبگان محلی برای میانجی‌گری و پیشبرد امور و استفاده از آرای آن‌ها در سپاسگزاری‌ها و مشارکت قطعی آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها بر موفقیت اسکان مجدد و کاهش تبعات اجتماعی آن می‌افزاید.
- اختصاص بخشی از درآمد آبی سد صرف توسعه منطقه
- انتقال آثار فرهنگی و باستانی و مذهبی نظیر مقبره بابا زاهد به مکان جدید و حتی قبور نیاکان برای کاهش تألمات روحی.

● جابجایی دو روستا در کشور اندونزی

در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲، زلزله‌ای به قدرت ۷/۸ در مقیاس ریشتر، سواحل شمالی جزیره "فلورز" در اندونزی را لرزاند و خسارات گسترده‌ای به واحدهای مسکونی، ساختمان‌های اداری، کلیساها و مدارس وارد ساخت. در حدود ۳۰ هزار بنادر اثر زلزله دچار خسارت شدید شدند که حدود نیمی از آن‌ها به‌طور کامل تخریب شده یا با درصد بالایی دچار خسارت شدند بیشتر این ساختمان‌ها دارای دیوارهای سنگی و آجری بوده و برخی از آن‌ها نیز در اثر روانگرایی پس از زلزله دچار آسیب مضاعف شدند. بعد از زلزله، دو روستای "وورینگ" و روستای دیگری در جزایر "بابی" به عنوان مناطق خطرناک برای سکونت شناسایی شده و بنا بر توصیه کارشناسان بین‌المللی، تصمیم بر جابجایی این دو روستا در دو منطقه جدید به نام‌های "نانگاهور" و "نانگاهال" گرفته شد.

سرانجام در سال ۱۹۹۳ به‌عنوان بخشی از خدمات عمومی ارائه‌شده، "نیروهای نظامی" حدود ۸۰۰ واحد مسکونی در این منطقه (نانگاهور) و ۱۰۰۰ واحد مسکونی دیگر در منطقه "نانگاهال" برای بازماندگان زلزله و استقرار آن‌ها در این دو منطقه ساختند و در حدود ۷۰۰ خانوار به واحدهای مسکونی

- در بحث اسکان مجدد حتماً از خود مشمولان جابه‌جایی در مورد انتخاب محل سکونت نظرخواهی شود و از مشارکت روستاییان در فرایند اسکان مجدد استفاده شود.
- لزوم تهیه گزارش ارزیابی آثار محیط زیستی اسکان مجدد سکونتگاه‌های مشمول جابه‌جایی با تأکید بر شناسایی آثار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- حتی‌المقدور سعی شود تا جایی که ممکن است اسکان اجباری صورت نگیرد، یا با حداقل جابه‌جایی مکان‌گزینی شود.
- معلوم بودن زمان و مکان اسکان مجدد برای مردم در تصمیم‌گیری نسبت به جابه‌جایی کمک می‌کند.
- برای اینکه مردم آسیب‌دیده خسارت دریافتی را سرمایه‌گذاری کنند نیاز به سازوکار نظارتی از طریق مؤسسات مربوط، به‌ویژه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و متخصصان احساس می‌شود.
- قبل از جابه‌جایی، مکان‌یابی برای اسکان صورت گیرد سپس نسبت به جابه‌جایی افراد طبق برنامه زمان‌بندی مشخص انجام گیرد.
- در تعیین مکان‌یابی روستاهای جدید توصیه می‌شود این کار، حتی‌المقدور در نزدیک‌ترین فاصله به مکان سابق در حاشیه دریاچه سد در صورتی که خود روستاییان زمین کشاورزی داشته باشند با واگذاری اراضی ملی به‌وسیله دولت و فراهم کردن امکانات کشاورزی از قبیل آبیاری و گرفتن آب از دریاچه صورت پذیرد. با توجه به بازدید میدانی به‌عمل‌آمده و صحبت با روستاییان توانایی ایجاد شرایط مذکور وجود دارد.
- ایجاد فرصت‌های شغلی، از قبیل اولویت دادن افراد در منافع سد از طریق کشاورزی مکانیزه در حاشیه، یا پایین‌دست سد، طرح‌های گردشگری و طبیعت‌گردی و خدمات وابسته به آن، ماهیگیری و غیره. شرایط یادشده زمینه‌های بازگشت جوانان مهاجر را نیز فراهم می‌کند که خود می‌تواند موجبات توسعه روستایی را به سبب شغل‌های جدید و افزایش جمعیت روستاها فراهم سازد.
- بهبود شاخص‌های کلی توسعه نظیر افزایش نرخ باسوادی، شاخص طول عمر، نرخ باسوادی زنان در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت لحاظ شود.

این دو منطقه منتقل شدند (Boen & Jigsyasu, 2005). مطالعات جدید که در سال ۲۰۰۱ بر روی این منطقه انجام گرفت مشکلات مشابهی را نشان می‌دهد. برخی از اقدامات و نتایج، موارد زیر را نشان می‌دهد:

■ با توجه به اینکه در فرآیند جابجا کردن مردم در سال ۱۹۹۳ به سمت منطقه نانگاهور معیارها و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در نظر گرفته نشده بود تا سال ۲۰۰۰ یعنی حدود ۸ پس از زلزله سال ۱۹۹۲ بسیاری از واحدهای جدید در منطقه نانگاهور توسط مردم رهاشده و مردم به خانه‌های قدیمی خود که توسط اجدادشان ساخته شده بود، بازگشتند.

■ نوع خانه‌های ساخته شده در منطقه نانگاهور مشابه سربازخانه‌های نظامی بوده و نیز در حدود فاصله ۲۰۰ متری به سمت داخل ساحل ساخته شدند (برای محافظت در مقابل سونامی)، همچنین در هردوی این روستاها، خانه‌ها کاملاً بر روی زمین ساخته شده‌اند و این موضوع نیز مشکلاتی برای ساکنین ایجاد کرده که چرا در دورینگ خانه‌ها بر روی دکل‌هایی (شمع) ساخته شده بود که به مردم ماهیگیر این امکان را می‌داد که قایق‌های خود را به این دکل‌ها ببندند و در زمان بالا آمدن آب دریا از آن‌ها محافظت کنند، درحالی که خانه‌های جدید فاقد این ویژگی بود. به همین علت، بسیاری از ماهیگیران در جزیره بایی، واحدهای جدید را رها کرده و خانه قدیم خود را که به ساحل نیز نزدیک‌تر بود، بر روی شمع‌ها بازسازی کرده و به آن بازگشتند. ساکنین جزیره بایی، اشتغال به کشت ذرت و غلات داشتند، در حالی که در منطقه جدید (نانگاهال) مجبور به کشت برنج شدند. همچنین زمین‌هایی که به این منظور در اختیار آنان گذاشته شده بود، از منطقه سکونت آن‌ها دور بود که این امر نیز مسبب بازگشت آن‌ها به مناطق قدیم و بازسازی واحدها در کنار روستای قدیم شد.

■ مشکل دیگر منطقه جدید نانگاهور سکونت دادن دو دسته متفاوت از مردم از دو منطقه مختلف که یکی مسلمان و دیگری مسیحی (کاتولیک) بودند، در یک روستا بود. سابقاً این دودسته در وورینگ باهم زندگی می‌کردند و هر یک منطقه مربوط به خود را داشتند اما در منطقه جدید

به نوعی تداخل فرهنگی- مذهبی پیش آمد که در واقع توسط دولت نادیده انگاشته شده بود.

■ در منطقه نانگاهال نیز تنها نیمی از ساکنین مربوط به جزیره بایی و مسلمان بودند و عمده ساکنین از منطقه‌ای به نام "تالیپور" به این منطقه مهاجرت داده شدند. ساکنین تالیپورایی مسیحی بوده و همین امر باعث تداخل فرهنگی بین دو جمعیت مهاجر گردید.

■ علیرغم تلاش دولت برای جلوگیری از ترک افراد در هر دو منطقه و اقدام به ساخت چند مسجد، ساختمانی برای فروش ماهی و چند بنای عمومی دیگر، بسیاری از بومیان این منطقه (وورینگ) در محل‌های جدید، نانگاهور و نانگاهال، احساس راحتی و تعلق نکرده و محل جدید را ترک کردند. در واقع مردم بعد از ۸ سال به طور کامل خانه‌های خود را بر روی همان دکل‌ها (شمع) ساخته و مساجد را بازسازی کردند و تقریباً به همان وضعیت سال ۱۹۹۲ (پیش از زلزله) بازگشتند.

روش تحقیق

برای رسیدن به هدف مطلوب در این پژوهش استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه و تجارب پیشین جهت تدوین چارچوب‌های نظری و شیوه‌های رایج پژوهش مورد نظر بوده و پس از انتخاب شیوه مدنظر بر اساس مبانی نظری درزمینه‌ی روند جابه‌جایی و پیامدهای فضایی به طراحی سؤالاتی از قبیل چگونگی جابه‌جایی و پیامدهای فضایی پس از جابه‌جایی پرداخته و جهت دستیابی به داده‌های مکمل و همچنین آزمودن نمونه‌ی موردی (روستای یخ کش) با استفاده از ابزارهای مشاهده و مصاحبه و پرسشنامه به جمع‌آوری داده‌های کیفی و کمی پرداخته خواهد شد. جهت صحت سنجی تا حد امکان از شیوه‌های متداول همچون آلفای کرونباخ برای پرسشنامه، شیوه مشاهده غیرعلنی (سکونت در نمونه موردی) و مصاحبه عمیق استفاده گردید.

مبانی نظری

در مقوله جابه‌جایی سه واژه تغییر مکان، جابه‌جایی و اسکان مجدد به طور مکرر تکرار شده‌اند. تغییر مکان در واژه‌نامه آکسفورد، انتقال مکان چیزی از مکان یا موقعیتش و در واژه‌نامه لانگمن، به معنای ترک اجباری موطن اصلی توسط گروهی از انسان‌ها و یا حیوانات، آورده شده

کالبدی روی زمین شامل کسب و کارهای شکل گرفته در آن، جابه‌جایی کالبدی و ساماندهی اقتصادی مردم بی‌خانمان، در راستای ارتقای سطح درآمد و استانداردهای زندگی باشد (Bank, T.W., 2004). اسکان مجدد دوباره بنا نهادن یک مکان جدید برای مردم رانده‌شده با طراحی مناسب سکونتگاه، مسکن‌سازی، خدمات و پایه‌های اقتصادی جهت توانمند کردن جامعه برای بازسازی خود و به دست آوردن سطوح کافی تاب‌آوری در مقابل تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی است (Oliver, C.2010).

واژه نامه انگلیسی آکسفورد، جابه‌جایی را تغییر مکان به یک محل جدید و ایجاد خانه و منبع درآمد در آن مکان تعریف کرده است. همچنین واژه‌نامه لانگمن در تعریف جابه‌جایی اشاره می‌کند که اگر فردی یا کسب و کاری جابه‌جا شود، بدان معنی است که به مکانی جدید انتقال یافته است. طبق تعریف بانک جهانی و بانک توسعه آسیا، جابه‌جایی فرآیندی است که در آن مسکن، دارایی‌ها و زیرساخت‌های عمومی جامعه در مکان دیگری ساخته شود (Jha, A.K, et. al, 2010)؛ بنابراین جابه‌جایی تنها به معنای تغییر مکان خانوارها و مردم ساکن یک جامعه نیست، بلکه شامل جابه‌جایی کل یک اجتماع و کلیه متعلقات آن است. به‌طور خلاصه به معنای

است. واژه تغییر مکان، مهاجرت و ترک کردن در پاسخ به وقوع سوانح ناگهانی با تدریجی است که هم شامل جابه‌جایی درون مرز کشورها وهم بیرون مرزها می‌شود (Cohen, R. 2010). واژه اسکان مجدد طبق واژه‌نامه لانگمن در تعریف این واژه بیان می‌کند که این امر، زندگی در کشور یا منطقه‌ای جدید است. اسکان مجدد شامل جابه‌جایی جمعیت آواره از مکانی به مکان دیگر، در حقیقت از موطن اصلی به سکونتگاه دیگری است (Lin. Z, 2003) که عموماً شامل انتقال کامل یک سکونتگاه یا بخشی از آن، از یک منطقه ناامن به محلی امن است (Aysan & Oliver, 1987) و در حقیقت فرآیند جبران خسارتی است که در آن برای خانوارهای رانده شده به‌صورت کالبدی، زمین‌ها و نیز ساختارهای مسکونی برای اسکان مجدد در نظر گرفته می‌شود. اسکان مجدد شامل اقداماتی برای احیا و ارتقای استانداردهای زندگی مردمی است که جابه‌جا شده‌اند (CONSULTING, S.G.2013). اسکان مجدد همه زبان‌های مستقیم اقتصادی و اجتماعی، به علت از دست دادن زمین و محدودیت دسترسی به آن و نیز اقداماتی در راستای اصلاح و جبران این امر را در برمی‌گیرد. اسکان مجدد به معنای معمول آن، یعنی جابه‌جایی کالبدی، محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند شامل مالکیت زمین و ساختار

جدول ۱) تعاریف ارائه شده در جابه‌جایی سکونتگاه‌ها

| تعریف | واژه | نظریه پرداز |
|--|------------|--|
| جابه‌جایی جمعیت آواره از مکانی به مکانی دیگر، در حقیقت از موطن اصلی به سکونتگاه دیگر. | اسکان مجدد | Lin |
| انتقال کامل یک سکونتگاه یا بخشی از آن، از یک منطقه ناامن به محلی امن. | اسکان مجدد | Aysan & Oliver |
| فرآیند جبران خسارتی که در آن برای خانوارهای آواره به‌صورت کالبدی، زمین‌ها و نیز ساختارهای مسکونی برای اسکان مجدد جامعه در محدوده در نظر گرفته می‌شود و شامل اقداماتی برای احیا و ارتقای استانداردهای زندگی مردمی است که جابه‌جا شده‌اند. | اسکان مجدد | Synergy Global Consulting, Project Hade Office |
| همه زبان‌های مستقیم اقتصادی و اجتماعی، به علت از دست دادن زمین و محدودیت دسترسی به آن و اقداماتی که در راستای اصلاح و جبران این امر صورت می‌گیرد. | اسکان مجدد | The World Bank, Synergy Global Consulting |
| فرآیندی است که در آن مسکن، دارایی‌ها و زیرساخت‌های عمومی جامعه در مکان دیگری ساخته شود. | جابه‌جایی | The World Bank, Asian Development Bank |
| تنها به معنای تغییر مکان خانوارها و مردم ساکن یک جامعه نیست، بلکه شامل جابه‌جایی کل یک اجتماع و کلیه متعلقات آن است به‌طور خلاصه به معنای جابه‌جایی یک شیوه زندگی می‌شود. | جابه‌جایی | Boen & Jigyasu |
| به اسکان پناهندگان در سکونتگاهی اشاره می‌کنند که با سکونتگاه اصلی آن‌ها یکسان نیست. همچنین این واژه به افراد بی‌خانمان نیز ممکن است اطلاق شود. | جابه‌جایی | UNHCR |
| مهاجرت و ترک کردن در پاسخ به وقوع سوانح ناگهانی یا تدریجی است که هم شامل جابه‌جایی درون مرز کشورها و هم شامل فرار از مرزهاست. | تغییر مکان | Coben & Bradley |

منبع: گرکانی و همکاران، ۱۳۹۳

فرهنگی و کالبدی به منظور دستیابی به توسعه پایدار روستایی

۲) توسعه بخش‌های اقتصادی از طریق ارائه برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی به منظور توسعه فرصت‌های شغلی و درآمدی روستاییان

۳) ساماندهی مناسب زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی جهت ارتقای کیفیت زیست و تولید در قالب سازمان فضایی پیشنهادی (افراخته، ۱۳۸۴).

جابه‌جایی یک سکونتگاه ممکن است به یک یا چند منظور ذیل صورت گیرد: ۱. برنامه‌ریزی برای کاهش خطر؛ ۲. بازسازی سکونتگاه‌ها پس از سوانح؛ و ۳. برنامه‌ریزی برای پروژه‌های توسعه‌ای.

در مرحله برنامه‌ریزی برای کاهش خطر، جابه‌جایی جوامع آسیب‌پذیر به مکان‌های امن‌تر معمولاً بهترین راه‌حل به لحاظ کالبدی برای کاهش خطر سوانح است. برخی سایت‌ها فی‌نفسه ناامن هستند، مانند دشت‌های سیلابی، کوهپایه‌های ناپایدار و مناطقی که خاک آن‌ها در اثر لرزش‌های ناشی از زلزله تمایل به جاری شدن دارند (Jha, A.K, et al, 2010). هنگامی که احتمال وقوع سانحه به حدی منطقه را تحت تأثیر قرار داده باشد که منطقه را غیرقابل سکونت کرده باشد و با خطرهای غیرقابل قبولی در منطقه وجود داشته باشد و نیز هزینه کاهش خطر در مقایسه با جابه‌جایی بسیار زیاد باشد، جابه‌جایی غیرقابل اجتناب است (Barakat, 2003). با وجودی که آسیب‌پذیری در مقابل سوانح طبیعی مهم‌ترین علت جابه‌جایی ذکر می‌شود (Oliver-Smith, 1991)، سانحه تنها یکی از عوامل جابه‌جایی است، دلایل دیگر که برای این امر وجود دارند، عبارتند از: جابه‌جایی ناشی از توسعه شامل کمبود سرپناه، کمبود سرمایه، کمبود دسترسی به منابع معیشتی (Jha, A.K, et al, 2010). پروژه‌های توسعه‌ای که باعث جابه‌جایی می‌شوند، محدوده وسیعی را در برمی‌گیرند. ساخت سدها، توسعه و نوسازی شهری و استفاده از منابع طبیعی در این گروه جای می‌گیرند (Stanley, J, 2004).

علاوه بر موارد ذکر شده تصمیم برای جابه‌جایی به سایت‌های جدید اغلب به «دلایل اجرایی» صورت می‌گیرد که منجر به اتلاف منابع مالی و طبیعی می‌گردد. این گونه جابه‌جایی‌ها که بانک جهانی آن‌ها را «جابه‌جایی‌های غیر قابل توجیه» نامیده است، ممکن است جهت اجتناب از پاکسازی آوار، سهولت

جابه‌جایی یک شیوه زندگی است که شامل انتقال محلی که مردم کار می‌کنند، محلی که کودکان بازی می‌کنند و بسیاری کارکردهای اجتماعی دیگر به‌عنوان بخشی از زندگی اجتماعی مرده است (Boen, T. 2005). طبق تعریف کمیساریای عالی پناهندگان، جابه‌جایی به اسکان پناهندگان در سکونتگاهی اشاره می‌کند که با سکونتگاه اصلی آن‌ها یکسان نیست. همچنین این واژه به افراد بی‌خانمان نیز ممکن است اطلاق شود (UNHCR, 1998). در جدول شماره ۱ جمع‌بندی تعاریف ارائه‌شده برای این واژه‌ها آورده شده است. نمی‌توان در هنگام پرداختن به مبحث جابه‌جایی، تغییر مکان و اسکان مجدد را در نظر نگرفت، چراکه تغییر مکان و اسکان مجدد در اصل دو بخش مهم یک پروژه جابه‌جایی هستند؛ اما با وجود تفاوت در معنی این سه واژه، در متون موجود در زمینه جابه‌جایی به کرات دیده می‌شود که به جای یکدیگر و با معانی یکسان به کار گرفته شده‌اند.

در مجموع می‌توان اظهار داشت، جابه‌جایی عبارت است از فرآیند تغییر مکان همه یا بخشی از سکونتگاه به خارج از محدوده روستا که لزوماً شامل تغییر مکان از سکونتگاه قدیم به اسکان مجدد در سکونتگاه جدید است. باید توجه داشت در صورتی که در اثر احداث پروژه توسعه‌ای و یا رخداد سوانح بخشی از روستا در محدوده روستا جابه‌جا گردد، این امر جابه‌جایی تلقی می‌شود.

محدوده روستا طبق تعریف طرح هادی روستاها عبارت است از محدوده‌ای شامل بافت موجود روستا و گسترش آتی آن در دوره طرح هادی روستایی که با رعایت مصوبات طرح‌های بالادست تهیه و به تصویب مراجع قانونی مربوط می‌رسد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵). اما با توجه به این که طرح هادی برای برخی روستاها تدوین نشده است، در صورت عدم تعریف این محدوده، محدوده عرفی ملاک خواهد بود. محدوده عرفی روستا، محدوده‌ای است که اکثریت اهالی روستا آن را به‌عنوان قلمروی روستا (مشمول بر بافت ساخته‌شده روستا و اراضی تحت مالکیت روستا) می‌شناسند (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵).

اهداف ساماندهی روستاهای پراکنده و کوچک، از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی چنین مطرح شده است:

۱) پیچیده و متناسب کردن نظام اسکان؛ استقرار؛ و فعالیت با توجه به توان و ظرفیت‌های محیطی، اجتماعی،

خدمات با بودجه‌ها جهت احداث آن‌ها، متروکه می‌شوند، توسط ذینفعان فروخته می‌شوند و یا بدون سکنه باقی می‌مانند (Jha, A.K, et al, 2010).

در استراتژی معطوف به توسعه، شیوه تجمیع و ادغام که دارای مزیت‌های صرفه‌جویی اقتصادی در ارائه امکانات و خدمات

مسائل مربوط به مالکیت زمین، با کاهش تعداد ذینفعان مداخله‌گر در پروژه‌های بازسازی و نیز کاهش هزینه‌های اجرایی، بدون توجه به هزینه‌های فراهم کردن زیرساخت‌ها و خدمات اولیه صورت گیرد؛ که ممکن است منجر به ساخت خانه‌ها یا سکونتگاه‌هایی گردد که بعدها به علت کمبود

جدول ۲) پیامدهای احتمالی ناشی از جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی

| تهدیدها | فرصت‌ها | ابعاد |
|---|--|------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> • ناکافی بودن مساحت سایت نسبت به جمعیت بی‌خانمان • زیربنای ناکافی واحدهای مسکونی و عدم تناسب با نیازها • عوض شدن چهره کالبدی به سمت شهری شدن • تغییر کالبدی مسکن و تناسب فضاها با توجه به محدودیت‌های سایت | <ul style="list-style-type: none"> • کاهش احتمال وقوع سانحه • ایجاد فرصت بهبود ساخت مسکن، زیرساخت‌های عمومی و خدمات و نیز برنامه‌ریزی کاربری زمین جهت اهداف بلندمدت توسعه • ارتقای سطح زندگی به سمت شهری شدن (مطلوب از دیدگاه ساکنین) • نظم و ترتیب در ساخت‌وساز | کالبدی |
| <ul style="list-style-type: none"> • پراکنده شدن گروه‌های اقوام و خویشاوندان • از بین رفتن همبستگی اجتماعی به دلیل ناهمگونی اجتماعی در صورت تجمیع • تبدیل شدن مردم رانده‌شده به قشری زیردست به لحاظ اجتماعی • توزیع ناعادلانه امکانات و عدم تحقق عدالت اجتماعی • آسیب‌پذیری قشر زنان، کودکان و سالمندان • ایجاد وابستگی به کمک‌های خارجی • افزایش بیماری و مرگ‌ومیر • افزایش استرس به دلایل گوناگون • طولانی شدن زمان بازتوانی روحی و روانی به علت فاصله از محل زندگی • بیگانگی فرهنگی • ایجاد احساس عدم امنیت | <ul style="list-style-type: none"> • کوتاه شدن زمان بازتوانی روحی به علت فاصله از خاطرات بد سانحه و تخریب • ایجاد تعامل با مردم سایر نواحی | اجتماعی و فرهنگی |
| <ul style="list-style-type: none"> • تحمیل هزینه‌های خارج از توان روستاییان بر آن‌ها جهت بازسازی مسکن در سایت جدید • تحمیل هزینه‌بر دولت جهت تأمین زمین و ایجاد امکانات و تجهیزات در سایت جدید • از دست رفتن منابع معیشتی موجود در سکونتگاه سابق • کاهش زیربنای مسکونی و نامتناسب بودن با معیشت • از بین رفتن روابط تجاری موجود در روستای قدیم | <ul style="list-style-type: none"> • ایجاد فرصت‌های جدید مانند فرصت‌های گردشگری در سکونتگاه جدید • ایجاد مشاغل جدید متناسب با امکانات روستا و خانه‌های جدید • کاهش هزینه‌های ناشی از تعمیر و نگهداری مسکن | اقتصادی |
| <ul style="list-style-type: none"> • ایجاد تغییر در محیط طبیعی جهت ساخت محیط مصنوع • باقی ماندن روستای قدیم به صورت متروکه و ویرانه • عدم استفاده از مصالح به‌جای مانده در مسکن قدیم • استفاده از مصالح جدید ناهمگون با محیط | <ul style="list-style-type: none"> • کاهش آسیب به محیط زیست | محیط زیستی |
| <ul style="list-style-type: none"> • از دست رفتن مالکیت در سکونتگاه سابق • عدم امکان جبران خسارت به دلیل نبود سند مالکیت • مشکل تملک زمین برای سایت جدید • مشکل در تخصیص زمین‌ها در سایت جدید به مردم | <ul style="list-style-type: none"> • ایجاد عدالت در بهره‌برداری از امکانات و زیرساخت‌ها | مدیریتی |

منبع: گرکانی و همکاران، ۱۳۹۳.

است، نظر دست‌اندرکاران عمران و توسعه روستایی را بیشتر به خود جلب کرده است. پیامدهای جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی ابعاد مختلفی دارد که در **جدول شماره ۲** به طور خلاصه به آن‌ها اشاره شده است. سعیدی (۱۳۸۷) نیز معیارهای کلی برای مکان‌یابی سکونتگاه‌های روستایی را چنین بیان می‌کند:

الف) نیازهای اجتماعی:

در صورت امکان، به هنگام تعیین محل و موقعیت سکونتگاه، بایستی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی افراد و گروه‌های ذی‌ربط مدنظر قرار گیرد. البته، در اغلب موارد و شرایط، انتخاب محل یا مکان موردنظر با محدودیت همراه است به‌عنوان نمونه، ممکن است عرصه‌ای که حتی با حداقل استانداردها مطابقت داشته باشد کمیاب و حتی نایاب باشد. هنگامی که مکانی انتخاب شد و در آن استقرار صورت پذیرفت، لازم است تا تعیین گردد چرا این محل پیش از آن توسط مردم مورد استفاده و بهره‌برداری قرار نگرفته است و دلایل این عدم بهره‌برداری چه بوده است (مثلاً فقدان آب کافی و یا آب‌گرفتگی به‌واسطه وضعیت خاص رژیم بارش در منطقه و مانند آن). نهایتاً، اگر این علل و دلایل یافته شد و عللی منطقی به شمار آمدند، باید از استقرار در آن مکان خودداری نمود.

ب) آب:

از مهم‌ترین مؤلفه‌های مکان‌یابی و انتخاب محل جدید، دسترسی به مقدار کافی آب دائمی و در دسترس در طول سال است. آشکار است که نمی‌توان و نباید به انتخاب مکان معین برای اسکان پرداخت، با این فرض که آب موردنیاز را می‌توان بعداً از طریق حفر چاه و یا انتقال یا حتی حمل آن از جای دیگر به محل موردنظر تأمین نمود. حفر چاه در اغلب موارد یا با هزینه‌های زیاد همراه است و یا اصولاً آب کافی ممکن است دست‌یافتنی نباشد. از سوی دیگر، نمی‌توان برای مدت طولانی و یا به‌طور دائمی، آب را از جای دیگر به مکان موردنظر حمل نمود. بدین‌سان، باید توجه اکید داشت که یکی از پیش‌شرط‌های مکان‌یابی، قابلیت دسترسی به آب در مکان انتخاب‌شده است.

ج) فضای آزاد (عرصه‌های باز):

مکان انتخابی اساساً باید از عرصه‌های قابل استفاده کافی برای جمعیت موردنظر (با توجه به رشد آتی) و نیز تأسیسات

موردنیاز برخوردار باشد.

سازمان بهداشت جهانی فضای سرانه موردنیاز را حداقل ۳۰ مترمربع برای هر نفر، به‌اضافه زمین کافی برای فعالیت‌های روستایی و کشاورزی و نیز نگهداری دام تعیین کرده است. همین مقدار در موارد اسکان موقت، فضایی برابر ۳/۵ مترمربع است. البته، قابلیت عرصه فضایی انتخابی برای رشد فیزیکی-کالبدی آتی محل نیز باید پیش‌بینی و ارزیابی گردد. نکته اساسی دیگر در همین ارتباط، اجتناب از انتخاب مکان‌هایی است که در معرض ادعاهای ملکی-عرفی و یا منازعات سنتی-محلی قرار دارند.

د) امکانات دسترسی:

محل انتخابی باید از امکان بهره‌مندی از وسایل نقلیه و راه‌های مواصلاتی برخوردار باشد در همین ارتباط، دسترسی به امکانات و خدمات گوناگون، نظیر آموزش، بهداشت، درمان و نیز بازارهای مبادلاتی از پیش‌شرط‌های مکان‌یابی به شمار می‌رود.

ه) ملاحظات زیست‌محیطی:

عرضه انتخابی حتی‌المقدور باید به دور از خطرات و آسیب‌های محیطی، نظیر سیل، زلزله، طوفان ریگ و همچنین محیط‌های بیماری‌زا باشد. در همین ارتباط، شرایط اقلیمی قاعداً باید با آسایش زیستی در طول سال همراه باشد. به‌عنوان مثال، مکان مناسب در فصل خشک ممکن است در فصل مرطوب و بارش نامناسب جلوه کند. درحالی‌که بادهای معتدل و خنک خود امتیاز به شمار می‌آیند، ممکن است بادهای شدید و یا گرم‌آز، نامناسب و دارای امتیاز منفی به شمار آیند. قدر مسلم آن‌که محیط مکان‌یابی شده جدید قاعداً نبایستی از لحاظ اقلیمی با تفاوت‌های شدید با محیط زندگی مألوف پیشین همراه باشد.

و) پوشش زمین و خاک:

خاک مکان انتخابی باید از نفوذپذیری مناسب و کافی برخوردار باشد، بنابراین طبعاً باید از انتخاب محل‌های سنگی برخوردار از خاک‌های غیرقابل نفوذ پرهیز نمود. قابلیت و حاصلخیزی خاک کافی برای زراعت و باغداری نیز باید موردعنايت و تأکید جدی قرار گیرد. به همین ترتیب، پوشش گیاهی محل انتخابی نیز از اهمیت برخوردار است. از این‌رو، توجه به برخورداری زمین از گیاهان علفی، درختچه‌ای و درختان طبیعی اساسی به شمار می‌رود. چراکه این‌گونه پوشش نه‌تنها عاملی در

شهرستان بهشهر با مساحت ۳۱۰۶ کیلومترمربع، دارای دو بخش کوهستانی در جنوب و دشت در شمال آن است. بخش کوهستانی منطقه دارای آب‌وهوای سرد و معتدل و در دشت میانکوهی آن زمین‌های قابل کشت وجود دارد. دشت بهشهر را می‌توان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم نمود. بخش غربی تر دشت ادامه پیشروی مخروط افکنده‌های آبرفتی رودخانه نکا بوده که اکثر استقرارهای پیشین در این ناحیه و نواحی دلتایی رودخانه نکا شکل گرفته است. بخش شرقی و شمال شرقی دشت بهشهر ادامه پیشروی خلیج گرگان بوده که به خاطر پایین بودن موقعیت زمین‌های مذکور و پدیده پیشروی دریا، اغلب زمین‌ها شورزار بوده و قابلیت اسکان برای جوامع پیشین در دشت منطقه را فراهم نمی‌کرده است. وجود چنین شرایطی در شکل‌گیری روستاهای دوران اسلامی و خصوصاً جوامع امروزی تأثیر به‌سزایی داشته، به‌طوری‌که پراکندگی روستاهای امروزی با الگوهای استقراری در هزاره‌ی سوم گذشته کاملاً منطبق بوده است.

• معرفی روستای رودبار یخ کش

روستای رودبار یخ کش (رودبار قدیم) از توابع بخش مرکزی شهرستان بهشهر در استان مازندران بوده، در دهستان پنج هزاره قرار دارد و بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ جمعیت آن ۱۶۸ نفر بوده است. بر اساس آمار موجود، رودبار قدیم دارای ۱۵۰ هکتار اراضی قابل کشت است که حدود پانزده هکتار آن اراضی آبی و حدود هفتاد هکتار آن اراضی دیم بوده و محصولاتی مانند سویا، گندم، جو و برنج در آن کشت شده است. هم‌اکنون در روستای رودبار جدید (نورودبار)، صد هکتار زمین زراعی قابل کشت وجود دارد.

نام این روستا در زمان سابق اولار بوده است که در زمان شاه‌عباس مردم این شهر جهت درآمد شغلی در زمستان یخ رودخانه را در گودالی با کاه می‌پوشاندند و در تابستان به شهر می‌بردند و می‌فروختند و بعد از آن موضوع، اسم روستا را یخ کش نامیدند.

• احداث سد گلورد و جابه‌جایی روستای یخ کش

یکی از مناطق روستایی ایران که تصمیم به جابه‌جایی آن به خاطر احداث سد گلورد گرفته شد، روستای رودبار بوده است.

جلوگیری از فرسایش خاک، برپایی گردوغبار و مانند آن به حساب می‌آید، بلکه در ایجاد محیط دلپذیر و قابل زیست و نیز پذیرش محل جدید نزد ساکنان نقش مهمی ایفا می‌کند. تعیین کاربری زمین و تبیین فضاهای مختلف مکان انتخابی، از جمله محل استقرار خانه‌ها، تأسیسات و اراضی کشاورزی باید با دقت کافی برای موارد مربوط تخصیص یابند.

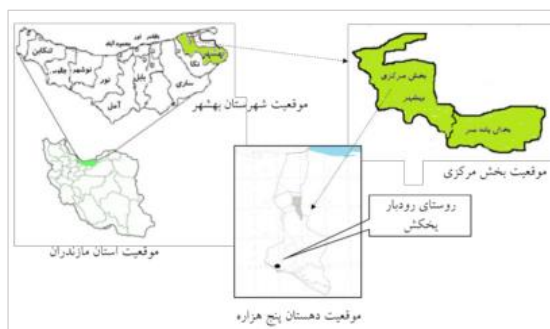
ز) حقوق ملکی زمین:

اراضی محدوده انتخابی باید از هر جهت از لحاظ مالکیت، چرای سنتی دام (حقوق مرتع) و سایر موارد حقوقی عرفی جمعیت بومی محل مستثنی باشد. زیرا این‌گونه حقوق محلی، در اغلب موارد موجب تعارضات بین گروهی و اجتماعی خواهد بود. حتی در مواردی که عرصه انتخابی از اراضی ملی و دولتی به شمار می‌رود، ممکن است ساکنان بومی به‌طور سنتی چنین حقوقی در بهره‌برداری از آن‌ها برای خود قائل باشند؛ بنابراین، توجه به این نکته در بررسی‌های مکان‌یابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه مسلم است اینکه اراضی تخصیصی باید از لحاظ قوانین رسمی و نیز حقوق عرفی، وضعیتی کاملاً روشن و شفاف داشته باشند. برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل (۱۹۹۴)، نیز اساسی‌ترین منابع لازم را در مکان‌یابی محل جدید، موجود بودن زمین، آب و مناسب بودن زمین موجود برای ساخت‌وساز برشمرده است. به نظر می‌رسد این عوامل به‌اضافه زمین مناسب برای کشاورزی جهت فعالیت‌های اقتصادی، مهم‌ترین عنصر به نام جابجایی سکونتگاه باشد.

منطقه مورد مطالعه

بهشهر دومین شهر شرقی استان مازندران است که از شمال به خلیج میانکاله، از شرق به شهرستان گلوگاه، از جنوب به دامنه‌های البرز و شهرستان دامغان و از غرب به شهرستان نکا محدود می‌شود. بهشهر به دلیل آب‌وهوای بسیار مطلوب، همواره مورد نظر شاهان و خوانین محلی بوده و وجود کاخ‌های متعدد در این منطقه، گواهی برای این ادعا است.

جمعیت شهرستان بهشهر در سال ۱۳۹۰، برابر با صد و پنجاه و پنج هزار و دویست و چهل و هفت نفر بوده است. شهرستان بهشهر دارای دو شهر به نام‌های بهشهر و رستمکلا و دارای دو بخش به نام‌های بخش مرکزی با سه دهستان میانکاله، پنج هزاره و کوهستان، بخش یا نه سر با دو دهستان شهدا و عشرستاق است.



شکل ۳) موقعیت روستای رودبار یخ کش



شکل ۴) نمایی از رودخانه گلورد، برداشت: ۱۴۰۰



شکل ۵) طرح تفکیک اولیه روستای یخ کش

تسهیلات ساخت مسکن نیز دریافت کنند. (شکل شماره ۵) از آنجایی که غالباً اهالی روستا مهارت‌هایی در ساخت خانه داشتند به همین منظور احداث واحدهای مسکونی به خودشان واگذار گردید و یکی از نکات بسیار مهم در مرحله اجرایی تغییراتی بود که خانواده‌ها به سبب تطبیق خانه‌ها با سلیقه و نظرشان ایجاد کرده بودند. همچنین می‌توان حذف فضاهای

عملیات احداث این سد در سال ۱۳۷۴ در بالادست روستای رودبار قدیم آغاز و در سال ۱۳۸۸ به پایان رسید؛ بنابراین به علت خطر آب‌گرفتگی و بروز سیل احتمالی در قسمت زیادی از مناطق مسکونی و اراضی زراعی در این روستا، تصمیم به جابجایی آن به ناحیه بالادست سد در همان منطقه گرفته شد. طی احداث سد گلورد نیز تمامی زمین‌های شالی که متعلق به روستاییان این منطقه بود به زیر آب رفت. (جدول شماره ۳)

• برنامه جابجایی روستای یخ کش

همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید احداث سد گلورد در این منطقه، روستاییان را ناچار به جابجایی و نقل مکان به زمین‌های بالادست کرد. طرح اولیه توسط آبخیزداری منطقه‌ای تهیه و اجرا گردید که طرحی شطرنجی و بی‌توجه به مالکیت زمین‌ها و توپوگرافی مکان جدید بود. ارائه الگوی یکسان قطعات و در نظر نداشتن الگوهای واحد همسایگی از نقاط ضعف این طرح بود. پس از اجرای این طرح و واگذاری تعدادی از واحدها، روستاییان به سبب عدم توجه طرح به مالکیت زمین‌هایشان، مصمم به تغییر آن و وعده‌ای نیز درصدد مهاجرت از روستا به شهرهای اطراف بودند که با پیشنهاد تغییر طرح از سوی بنیاد مسکن استان مازندران موافقت نموده و منتظر طرح تفکیکی روستا ماندند. (شکل‌های شماره ۳ و ۴ و ۶)

مبنای طراحی جدید روستا، مرزهای مالکیت زمین و توپوگرافی مکان جدید در نظر گرفته شد. در ادامه تمامی واحدها توسط مهندسين مشاور طرح و تزیین بنادر چند تپ مختلف طراحی گردید تا در اختیار اهالی قرار گیرد و هر خانواده بنا بر سلیقه خود نقشه‌ای را انتخاب کند. طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته و با توجه به اینکه بسیاری از اهالی روستا از گذشته در بالادست، زمین‌های کشاورزی داشتند و تمایل داشتند به همان زمین‌های خود منتقل شوند با رضایت دیگر روستاییان و مسئولان مربوطه این انتقال صورت پذیرفت. البته باید به این نکته اشاره نمود که دولت فقط مجوز ساخت تا ۵۰ مترمربع بنا را در زمین‌های جدید صادر کرد. به این ترتیب کسانی که زمین‌های بزرگی داشتند در همان زمین خود مشغول به ساخت خانه شدند و دولت به کسانی که زمین‌های کوچک‌تری داشتند و یا زمینی در این محدوده نداشتند به ازای دریافت هزینه زمین فروخت. البته خانواده‌ها در صورت تمایل می‌توانستند ده میلیون تومان وام



شکل ۶) موقعیت روستای رودبار یخ کش پس از جابجایی

زیست محیطی در احداث روستای جدید، عملکرد اجتماعی نامناسب سکونتگاه جدید، مشکلات مرتبط با وضعیت اقتصادی خانوار روستایی و عملکرد نامناسب سکونتگاه‌های جدید از بعد فرهنگی- روانی، به ترتیب، ۵/۳۵۳، ۴/۵۲۱، ۳/۷۸۱ و ۳/۲۵۸ درصد از واریانس متغیرها را به‌عنوان پیامدهای دوم تا پنجم به خود اختصاص دادند. (جدول شماره ۴)

در حال حاضر بررسی‌های میدانی نشان می‌دهند که تعداد زیادی از خانواده‌ها با وجود طرح تفکیک جدید روستا، پس از جابجایی روستای یخ کش مبادرت به مهاجرت نموده و تعداد زیادی از روستاییان به دلیل این جابجایی اجباری و عدم رضایت از شرایط جدید روستا، روستا را ترک کرده‌اند. تعداد واحدهای ساخته‌شده از مجموع واحدهای پیش‌بینی‌شده (بر اساس تعداد خانوارهای روستای قدیم) در نقشه طرح تفکیک جدید نیز مبین همین موضوع است.

مطالعات نشان می‌دهند که روستای قدیم پیش از جابجایی و احداث سد ۱۱۹ خانوار سکنه داشته است و از این تعداد تنها ۵۱ خانوار پس از جابجایی به روستای جدید نقل مکان کرده و خانه‌های جدید را احداث کرده‌اند و مابقی به شهرهای اطراف مهاجرت کرده‌اند. البته این نکته قابل ذکر است که ساکنین کنونی عموماً سکونت فصلی (۶۰درصد) در روستا دارند اما

دامی از واحدهای جدید طراحی‌شده را مهم‌ترین مشکل خانواده‌های روستای یخ کش ذکر کرد.

یافته‌های تحقیق

تحلیل عاملی اکتشافی Explanatory Factor Analysis یکی از روش‌های خوشه‌بندی داده‌ها است که در حوزه داده‌کاوی قرار دارد. در مطالعات مدیریت از این تکنیک برای شناسایی عوامل زیربنایی یک مجموعه سؤال استفاده می‌شود. به‌منظور کاهش شمار متغیرهای تحقیق به عامل‌های کمتر و تعیین سهم هر کدام از عامل‌ها در واکاو پیامدهای جابجایی روستا، از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. محاسبه‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی اکتشافی مناسب بوده است، به‌گونه‌ای که مقدار ضریب KMO برابر ۰/۵۹ و آماره بارتلت برابر ۱/۳۸ به دست آمد که در سطح ۰/۱ معنی‌دار شده و نشانگر مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی بوده است. عدم رعایت ملاحظات کالبدی- زیرساختی در ساخت سکونتگاه جدید، ۲۱/۳۷ درصد واریانس پیامدها را به خود اختصاص داده و با مقدار ویژه ۷/۴۸ اولین دسته از پیامدهای جابجایی روستای یخ کش بوده است. همچنین نتایج نشان داد که عدم رعایت ملاحظات

| |
|---|
| جدول ۳) پیامدهای جابجایی روستای یخ کش |
| افزایش هزینه‌های زندگی پس از جابه‌جایی |
| کاهش امکان نگهداری دام در منازل جدید |
| عدم توجه به فرهنگ و آداب و رسوم در طراحی منازل و محیط فیزیکی روستا |
| کاهش ارتباطات با اقوام، همسایگان و خویشاوندان نسبت به گذشته |
| تخریب روزافزون منابع طبیعی به علت ساخت‌وساز |
| وجود مشکلاتی برای دفع فاضلاب و پسماند خانگی |
| افزایش فاصله با سایر روستاها نسبت به گذشته |
| کاهش امکان انجام فعالیت‌های گروهی در روستا |
| عدم دسترسی به خدمات و امکانات عمومی (مدرسه، درمانگاه، خانه بهداشت و غیره) |
| کاهش علاقه‌مندی ساکنین روستا نسبت به روستای جدید |
| عدم اطمینان از برخورداری ساختمان‌های جدید از استانداردهای مقاومت در برابر زلزله، سیل و غیره |
| کاهش درآمد خانوار روستایی پس از جابجایی |
| از بین رفتن مراتع به علت ساخت‌وساز و دشواری دسترسی به مراتع در روستای جدید |
| دور شدن از اراضی زراعی نسبت به روستای قبل |
| کاهش چشم‌انداز و زیبایی محیط نسبت به روستای قبلی |
| عدم تطابق طراحی منازل و محیط روستا با خواست و تمایلات مردم روستایی |
| عدم دسترسی آسان و مناسب به شهر |

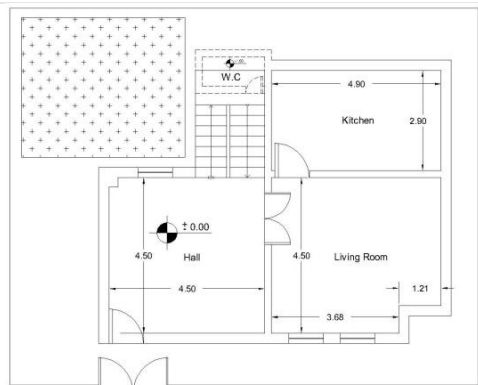
جدول ۴) تحلیل عاملی دوران یافته پیامدهای جابجایی روستای یخکش به همراه عامل‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها

| عامل | متغیر | بار عاملی |
|--|---|-----------|
| عدم رعایت ملاحظات کالبدی- زیرساختی در ساخت سکونتگاه جدید | ۱) عدم اطمینان از برخورداری ساختمان‌های جدید از استانداردهای مقاومت در برابر زلزله، سیل و ... | ۰/۷۳۱ |
| | ۲) عدم دسترسی به خدمات و امکانات عمومی (درمانگاه، خانه بهداشت و غیره) | ۰/۶۰۸ |
| | ۳) کاهش چشم‌انداز و زیبایی محیط نسبت به روستای قبلی | ۰/۵۸۸ |
| | ۴) عدم دسترسی آسان و مناسب به شهر | ۰/۴۸۴ |
| | ۵) افزایش فاصله با سایر روستاها نسبت به گذشته | ۰/۴۶۹ |
| | ۶) دور شدن از اراضی زراعی نسبت به روستای قبل | ۰/۴۶۲ |
| | ۷) کاهش امکان نگهداری دام در منازل جدید | ۰/۳۸۵ |
| عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در احداث روستای جدید | ۱) تخریب روزافزون منابع طبیعی به علت ساخت‌وساز | ۰/۶۸۸ |
| | ۲) وجود مشکلاتی برای دفع فاضلاب و پسماند خانگی | ۰/۴۰۹ |
| | ۳) از بین رفتن مراتع به علت ساخت‌وساز و دشواری دسترسی به مراتع در روستای جدید | ۰/۳۶۹ |
| عملکرد اجتماعی نامناسب سکونتگاه‌های جدید | ۱) کاهش امکان انجام فعالیت‌های گروهی در روستا | ۰/۶۸۵ |
| | ۲) کاهش ارتباطات با اقوام، همسایگان و خویشاوندان نسبت به گذشته | ۰/۴۷۷ |
| مشکلات مرتبط با وضعیت اقتصادی خانوار | ۱) کاهش درآمد خانوار روستایی پس از جابجایی | ۰/۶۲۹ |
| | ۲) افزایش هزینه‌های زندگی پس از جابه‌جایی | ۰/۵۷۵ |
| عملکرد نامناسب سکونتگاه‌های جدید از بُعد فرهنگی- روانی | ۱) کاهش علاقه‌مندی ساکنین روستا نسبت به روستای جدید | ۰/۸۸۶ |
| | ۲) عدم تطابق طراحی منازل و محیط روستا با خواست و تمایلات مردم روستایی | ۰/۸۱۴ |
| | ۳) عدم توجه به فرهنگ و آداب و رسوم در طراحی منازل و محیط فیزیکی روستا | ۰/۷۰۷ |

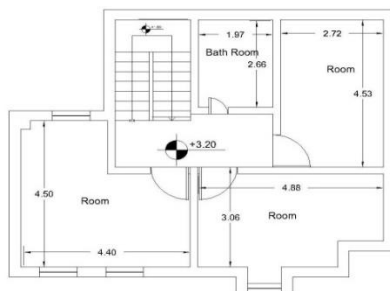
روستای جدید ارائه شده است. (جدول های شماره ۵ و ۶)

تعدادی از آنها هستند که همچنان سکونت دائمی (۴۰ درصد) دارند. در ادامه چند نمونه از واحدهای مسکونی ساخته شده در

جدول شماره ۵) واحد مسکونی برداشت شده (۱)



پلان همکف



پلان طبقه اول



مشخصات کلی مسکن و خانوار

زیربنای واحد مسکونی: ۱۵۰ متر مربع

تعداد ساکنین: ۲ نفر

شغل: کشاورز

نوع سکونت: دائم

الگوی سکونت خانوار: هسته ای

پیامدهای کالبدی و زیرساختی

- حذف فضای دامی و انبارها
- مشکل دفع فاضلاب خانگی
- دور شدن از زمین زراعی
- نگرانی از میزان مقاومت خانه‌ها در برابر زلزله و سیل و غیره
- کاهش چشم‌انداز و زیبایی محیطی نسبت به روستای قبلی

پیامدهای زیست‌محیطی

- از بین رفتن مراتع به دلیل ساخت و ساز
- دشواری دسترسی به مراتع در روستای جدید

پیامدهای اجتماعی

- کاهش ارتباط با همسایه‌ها
- کاهش ارتباط با اعضای خانواده
- کاهش فعالیت‌های گروهی

پیامدهای اقتصادی

- کاهش درآمد خانواده
- افزایش هزینه‌های زندگی
- تعطیل شدن فعالیت‌های اقتصادی زنان

پیامدهای فرهنگی

- نارضایتی از نمای ظاهری ساختمان
- عدم تطابق طراحی خانه با خواست آنها
- عدم توجه به آداب و رسوم‌ها در طراحی خانه

جدول شماره ۶) واحد مسکونی برداشت شده (۲)

| | |
|----------------------|--|
| <p>پلان همکف</p> | <p>مشخصات کلی مسکن و خانوار</p> <p>مساحت زیربنای واحد مسکونی: ۹۰ متر مربع</p> <p>تعداد ساکنین: ۴ نفر</p> <p>شغل: بازنشسته</p> <p>نوع سکونت: فصلی</p> <p>الگوی سکونت خانوار: هسته ای</p> |
| <p>پلان طبقه اول</p> | <p>پیامدهای کالبدی و زیرساختی</p> <ul style="list-style-type: none"> حذف فضای دامی و انبارها مشکل دفع فاضلاب خانگی کاهش چشم‌انداز و زیبایی محیطی نسبت به روستای قبلی |
| | <p>پیامدهای زیست محیطی</p> <ul style="list-style-type: none"> از بین رفتن مراتع به دلیل ساخت‌وساز دشواری دسترسی به مراتع در روستای جدید |
| | <p>پیامدهای اجتماعی</p> <ul style="list-style-type: none"> کاهش ارتباط با همسایه‌ها کاهش ارتباط با اعضای خانواده کاهش فعالیت‌های گروهی <p>پیامدهای اقتصادی</p> <ul style="list-style-type: none"> کاهش درآمد خانواده افزایش هزینه‌های زندگی <p>پیامدهای فرهنگی</p> <ul style="list-style-type: none"> نارضایتی از نمای ظاهری ساختمان عدم تطابق طراحی خانه با خواست آن‌ها عدم توجه به آداب و رسوم‌ها در طراحی خانه |

ارزیابی پیامدهای فضایی جابه‌جایی روستایی کیش استان مازندران با رویکرد پایداری زیست محیطی



• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که از نتایج نهایی حاصل‌شده است عدم رعایت ملاحظات کالبدی و زیرساختی اولین و مهم‌ترین پیامد جابجایی روستای یخکش است. عدم اطمینان از برخورداری ساختمان‌های جدید از استانداردهای مقاومت در برابر زلزله و سیل، عدم دسترسی به خدمات و امکانات عمومی، دور شدن از اراضی زراعی نسبت به روستای قبل، عدم دسترسی آسان و مناسب به شهر، کاهش امکان نگهداری دام در منازل جدید از جمله این پیامدهاست. که در نتیجه باعث بروز نارضایتی مردم روستا شده است. همچنین بروز مشکلات زیست‌محیطی و از بین رفتن منابع طبیعی به دلیل ساخت‌وسازهای انجام از دغدغه‌ها و نگرانی‌های روستاییان است.

به‌طور کلی، پس از ارزیابی نتایج تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که روستاییان پس از جابجایی دچار مشکلات فراوان شده‌اند. حال از آنجاکه اهداف دست‌اندرکاران و انتظارات روستاییان از فرآیند جابجایی، انتقال به یک مکان جدید با وضعیت زندگی مطلوب‌تر در همه ابعاد آن است، بیان این مشکلات خود به‌گونه‌ای نشانگر عدم رضایت نسبی روستاییان و عدم برآورده شدن انتظار آن‌ها از اجرای سیاست جابجایی است که ۵۳/۳ درصد ساکنان روستای جدید رضایت‌مندی اندک خود را ابراز کرده‌اند و که درصد قابل‌تأملی است.

مردم روستای یخکش پس از جابجایی به سبب احداث سد گلورد، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند. عدم رضایت مردم و برآورده نشدن انتظارات آن‌ها موجب مهاجرت تعداد زیادی از خانواده‌ها از روستای یخکش شده است و تعداد واحدهای ساخته‌شده در مقایسه با تعداد واحدهای پیش‌بینی‌شده از سوی بنیاد مسکن نیز مبین امر است. دولت تعداد ۱۲۶ واحد مسکونی جدید متناسب با تعداد خانوارها پیش از جابجایی را در سایت جدید در نظر گرفته بود که با توجه به عدم رضایت و اقبال روستاییان از روستای جدید تنها ۵۱ واحد مسکونی ساخته‌شده است و عموم این خانواده‌ها نیز سکونت فصلی در روستا دارند.

فهرست منابع:

افراخته، حسن. (۱۳۸۴). تحولات اجتماعی، اقتصادی و چالش‌های نواحی روستایی. فصلنامه سرزمین. شماره ۵. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی- معاونت امور بازسازی و مسکن روستایی(۱۳۸۵). سیاست‌های بازسازی لرستان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.

جهاد دانشگاهی تهران. (۱۳۸۳). مطالعات اقتصادی، اجتماعی و طبیعی سد گتوند. شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران.

رحمتی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). دگرگونی‌های اجتماعی- اقتصادی ادغام روستاها در منطقه زلزله رودبار و منجیل. مطالعات اجتماعی ایران. ۲ شماره. صص. ۱۱۰-۳.

رضوانی، محمدرضا؛ نظری، ولی اله. (۱۳۸۹). فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه روستایی. انتشارات جهاد دانشگاهی. تهران.

گرکانی، سید امیرحسین. (۱۳۹۲). ملاحظات بر طراحی خانه روستایی در بازسازی پس از سانحه. انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران.

گرکانی، سید امیرحسین (۱۳۹۳). بررسی عوامل و پیامدهای جابجایی سکونتگاه‌های روستایی. اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی.

مرکز ملی آمار ایران. (۱۳۸۸). آمارنامه تفصیلی استان خوزستان وزارت مسکن و شهرسازی. (۱۳۸۵).

Aysan.Y. & Oliver, P. (1987). **Housing and culture after earthquake: A guide for future policy making on housing in seismic areas.** Oxford: Oxford polytechnic.

Barakat, Sultan(2003), **Housing Reconstruction After Conflict and Disaster**, Humanitarian practice network paper, publish- on- demand Ltd London, No. 43.

Beon, T & Jigyasu, R(2005). **Cultural considerations for post disaster reconstruction**, post tsunami challenges.

Cohen, R. and M. Bradley. (2010). **Disasters and displacement: gaps in protection.** Journal of International Humanitarian Legal Studies. 1(1): p. 95-142.

CONSULTING, S.G.(2013). **RESETTLEMENT ACTION PLAN DEVELOPED FOR ANGLO AMERICAN PLATINUM, TWICKENHAM MINE.**

Jha, A.K, et al. (2010). **Safer homes, stronger communities. A handbook for reconstruction after natural disasters.** Washington, DC: The World Bank.

Jackson, S. and A. Sleigh. (2000). **Resettlement for China's Three Gorges Dam: socio-economic impact and institutional tensions.** Communist and PostCommunist Studies33: 223-241.

Lin, Z. (2003). **Voluntary resettlement in China: policy and outcomes of government-organised poverty reduction projects.** Wageningen Universiteit.



- Oliver, C. (2010). **Catastrophic disaster planning and response**. CRC Press.
- Oliver-Smith, A. (1991). **Successes and Failures in Post-Disaster Resettlement**. *Disasters*. 15(1): p. 12-23.
- Stanley, J. (2004). **Development-induced displacement and resettlement. Forced Migration**, January.
- UNHCR. (1998). **REVIEW OF THE UNHCR HOUSING PROGRAMME IN BOSNIA**
- Merkle, R. (2003). **Ningxia's Third Road to Rural Development: Resettlement Schemes as a Last Means to Poverty Reduction?** *China Quarterly* 139:644-69.
- Okada, T. Haynes, K. Bird, D. Honert, R. and R. King. (2014). **Recovery and resettlement following the 2077, flash flooding in the Lockyer Valley**. *International Journal of Disaster Risk Reduction* 8: 20-31.